

فساد اداری از تبعیض و عدم تامین

سرچشمه میگیرد

در این کشور نه کارمندان و نه صاحبمنصبان هیچکدام امنیت شغلی ندارند و سرنوشت همه آنها را قلم آدمهائی که در شایستگی خودشان تردید است تعیین می کند

تفاوتی که دولت میان مأمورین خود میگذارد و موضوع عدم تأمینی که کارمندان دولت در زندگی اداری خود دارند جمله مشکلاتی است که تا بحال نه تنها توجهی بآن نشده است بلکه اهمیت آنهم از نظر کودی که خواه و ناخواه در کارها ایجاد میکند و یاس و بدبینی که بر جامعه ما مستولی مینماید از نظرها پنهان مانده است .

کارمندان دولت طبقه عظیمی از اجتماع ما را تشکیل میدهند که با توجه بمیزان سواد و اطلاعات عمومی آنها ناچاریم قبول کنیم که از جمله برجسته ترین عناصر اجتماعی ما هستند که چون چرخ دستگاههای اداری و اجرایی مملکت را میگردانند ، در پیشرفت و عقب افتادگی کارهای ما هر دو اثر کاملاً نمایان و با اهمیتی دارند با همه این دولتهای ما هرگز نخواسته اند و یا نتوانسته اند يك چنین مسئله مهمی را مورد دقت و رسیدگی کامل قرار دهند و مبنای صحیحی برای وضع استخدامی و ترقی کارمندان بوجود بیاورند .

بسیار دیده ایم که اشخاص غیر مطلع و معمولی را فقط بمناسبت قرابت یا دوستی که خودشان یا اقوامشان با صاحبان نفوذ دارند ، بسیار حساس برگزیده اند و حتی یکی از متخصصین فن جوانان تحصیل کرده را هرگز بکارهای ساده نگمارده اند و بکرات شاهد بوده ایم که فلان آدم عاری از کار را ناگهانی چندین درجه ترقی شغل

داده‌اند اما از ارتقاء مقام قانونی و حقه افراد لایق و شایسته ابا داشته‌اند .

از هر کارمند هر اداره‌ای که آماری از اینگونه انتصابات می‌خواستید برای شمالاقل اسم بیست سی نفر را از اداره و وزارتخانه خود می‌شمرد که تنها علت ترقی مقام آنها فقط و فقط انتساب بفلان مقام ذینفوذ بوده است .

این قاعده بدون استثناء در تمام تشکیلات لشکری و کشوری ما طی سالیان اخیر مجری بوده است و بهمین جهت در میان کارمندان صحیح و درستکار و لایق و تحصیل کرده دولت بسیاری را می‌بینیم که احساسات آنها آکنده از بدبینی و قلوب آنها مملو از ناامیدی و یاس است .

این یاس و بدبینی مسلماً با ضریب بسیار زیادی در خانواده‌ها و در اجتماع ما انعکاس پیدا میکند . بصورت يك اصل تغییر اجتماعی در می‌آید که عامل اصلی ترقی و پیشرفت ، غیر از نشان دادن شایستگی و صداقت در خدمت است .

این يك واقعیت بزرگ است افسوس که موسسه‌ای برای تحقیق و بررسی دردهای اجتماعی نداریم و گرنه ملاحظه می‌فرمودید کار نکردن کارمندان ، دلسردی آنها و حتی بالانر، فساد و تباهی دستگاههای اداری بیشتر معلول این طرز کار غلط و این خاصه خرجیهای بیجهت ادارات است .

مهمتر، ما در اجتماع خود بيك درد بزرگتر و يك مسئله پیچیده‌تر بر می‌خوریم و آن برکنار کردن افراد شایسته و کارمندان صدیقی است که نه خودشان و نه دیگر همکاران اداری هیچ کدام نمیدانند و هر گز هم نمی‌خواهند بدانند که چرا يك کارمند یا يك صاحب‌منصب صدیق و درستکار و لایق را از کار خود معلق کرده‌اند ؟ ظاهراً اینگونه تغییر و تبدیلات بمناسبت تغییر وزرای يك وزارتخانه است اما این وزرا هیچگونه سیاست و برنامه جدیدی غیر از آنچه در گذشته بوده با خود نمی‌آورند که تصور کنیم اجرای پروژه‌ها و برنامه‌های آنها احتیاج بيك عده آدم متخصص و جدید دارد ، همان



توزیم گواهی نامه‌های فارغ التحصیلان آموزشگاه بهیاری

علت همیشگی که آب و نان قرض دادن بر فقوا سفارش شوندگان باشد باعث میشود که بیجهت افراد کار کشته و بصیر و کم نظیری را از پست های خود عوض کنند و ناگاه فی المثل آدمی مثل آقای دکتر اسفندیاری که در پست سرپرستی و محصلین ایرانی در آمریکا طی سالهای اخیر شایستگی کامل از خود نشان داد و همیشه در کارهای خود مورد تشویق و تقدیر همه اولیاء مسئول مملکت بوده از شغل خود معلق میکنند . من چون خودم در آمریکا بوده‌ام و کردانی و لیاقت این آدم را دیده‌ام ، وقتی که شنیدم او را از شغل خود من فصل کرده اند مدت‌ها

معطل و منتظر ماندم تا علت این برکناری را بدانم ، برای اینکه هرگز در فکر من خطور نمی کرد که آدمی را بیجهت از کاری که دارد ، بردارند من خیال می کردم وقتی که وزارتخانه ای یکی از صاحبمنصبان عالیرتبه خود را جایجا میکند ، حتماً بعلمت سهو و اشتباهی که مرتکب شده دست باین اقدام میزند ، روی این حساب عقیده داشتم که در میان جار و جنجال های اخیر باید منتظر بمانیم تا از خبط و خطای آدمی مثل دکتر اسفندیاری بشنویم .

اما این انتظار من بیهوده بود ، حتماً خود آقای دکتر اسفندیاری و یا دکتر اسفندیاری های دیگری که هر روز هر کدام با دوسطر ابلاغ آقای وزیر زندگی آنها این رو و آن رو میشود . نمیدانند که چرا تغییر شغل داده اند .

و این همان عدم امنیت شغلی است که بنده در ابتدای نوشته خود بدان اشاره کرده ام که بر دیگر علل نا امیددی و بدبینی کارمندان و صاحبمنصبان دولت میشود .

من عقیده دارم که وقتی کسی را از پستی که شاغل است عوض میکنند ، باید علت تعویض او را هم صریحاً در حکم اوقید کنند و اگر گناهکار است بمجازات برسانند و گرنه اینچنین با سرنوشت مردم و خانواده ها بازی کردن و دستگاہهای اداری را بصورت عروسک خیمه شب بازی در آوردن نتیجه ای جز آنچه امروز بچشم می بینیم نخواهد داشت یعنی هیچ کس بدنبال امانت و صداقت عمل و ابراز لیاقت نمیرود برعکس میدان دزدی و تباهی و فساد و توصیه بازی وسیع تر و فعالیت در این میدان شدیدتر میشود .

برو . . . ؟

هادی - ف

برو ای کولی سرمست برو
دلم از خشم تو بشکست برو
چو سبو دوش بدوش ببرند
رشته ما و تو بگسست برو